

رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با اضطراب

سیروس سروقده^۱، آذرمیدخت رضایی^۲ و فرزانه ایرانی^{۳*}

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با اضطراب دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر شیراز بود. بدین منظور، ۳۸۰ نفر (۲۳۰ دختر و ۱۵۰ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های ویژگی‌های شخصیت‌نئو، سبک‌های دلبستگی و اضطراب بک را تکمیل کردند. برای بررسی و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تی‌تست و رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان دادند که سبک دلبستگی اضطرابی با اضطراب رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد و در مورد ویژگی‌های شخصیتی، بین روان‌رنجوری و اضطراب رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین برونگرایی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و اضطراب رابطه معنادار منفی وجود دارد. تنها سبک دلبستگی اضطرابی توان پیش‌بینی‌کنندگی اضطراب را داشت و از بین مولفه‌های ویژگی شخصیتی، روان‌رنجوری، توان پیش‌بینی اضطراب دختران و روان‌رنجوری و مسئولیت‌پذیری توان پیش‌بینی اضطراب پسران را داشت. همچنین، دختران نسبت به پسران اضطراب بیشتری را نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت گروه روان‌شناسی مرودشت ایران.

www.sarvghad1333@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت گروه روان‌شناسی مرودشت ایران

www.rezaei.azar@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

*- نویسنده مسئول مقاله: www.irani.farzane@yahoo.com

پیشگفتار

تنیدگی همواره یکی از مهم‌ترین جنبه های زندگی آدمی بوده است. از آنجا که انسان و جهان پدیده و مادی بشمار می‌روند و محدودیت یکی از ضروریات ماده است، بنابراین همواره در معرض شرایط ناخوشایند و ناکام ساز قرار داریم (Aghayousefe, 2008).

محدوده اختلال اضطرابی بویژه اختلال اضطراب جدایی در میان کودکان و نوجوانان بسیار شایع است. به گونه‌ای که برخی مطالعات میزان شیوع اختلال اضطراب جدایی را تا ۴۲ درصد نیز گزارش کرده اند (Hudson & Rapee, 2001). بیش‌تر اوقات اضطراب صرفاً یک اختلال و گرفتاری است، اما در مواقعی می‌تواند زندگی فرد را فلج کند و اجازه نمی‌دهد آن گونه که می‌خواهد زندگی کند، اما می‌توان امیدوار بود که واقعیت‌هایی وجود دارد مبنی بر این که شخص می‌تواند احساساتش را تغییر دهد (Bronz, Translated by: Gharachedaghey, 2006). رفتار مادرانه تاثیر مستقیم بر واکنش‌های اضطرابی نوزاد دارد. بنابراین، ریشه اضطراب کودک را باید در روابط وی با مادر جستجو کرد (Alban, Charpito & Barlow, 1996). پژوهشگران تاکید بسیاری بر تاثیر روابط دلبستگی دوران کودکی دارند زیرا اضطراب^۱ کودک و اختلال‌های آن، مبتنی بر اختلال‌های دلبستگی تعریف می‌شود (Riggs and Jacobvitz, 2002)، همچنین، بنت و استیرلینگ (Bennet and Stirling, 1998)، بر شیوه های مراقبت دوران کودکی که باعث شکل‌گیری دلبستگی در کودک می‌شود، تاکید داشتند زیرا این شیوه‌های مراقبتی می‌توانند بر روند تحولی اختلال‌های اضطرابی تاثیرگذار باشند.

دلبستگی از راه حفظ نزدیکی نوزاد به مادر، سلامتی و امنیت وی را تضمین می‌کند به همین دلیل است که بالبی (Bowlby, 1969)، پیوند دلبستگی را در کودک انسان یک نیاز اولیه و اساسی می‌داند. به بیان دیگر، همه انسان‌ها تحت تاثیر پیوندهای دلبستگی خود قرار دارند، اما این که این تاثیرات مثبت یا منفی، سالم یا بیماری‌زا باشند، به کیفیت پیوند دلبستگی در یک رابطه خاص وابسته است. بالبی تصریح می‌کند که یک پیوند دلبستگی اختصاصی و قطع نشده با یک شخص خاص لازمه تحول سالم و غیر مرضی فرد است و تجربه ایمنی در کودک پایه و زیر بنای کنش وری سالم روانی و ذهنی است. از سوی دیگر، یک رابطه دلبستگی نایمن در نهایت، منجر به شخصیتی می‌شود که مشخصه آن بی‌اعتمادی، شکنندگی و مشکلاتی در زمینه‌های مربوط به همدردی با دیگران، حساسیت، خشنودی و ارضاء هیجانی در روابط عاطفی نزدیک می‌باشد (Mazahery, 1998). شیوه‌های گوناگون کنش متقابل بین کودک و مراقبانش باعث شکل‌گیری سه سبک دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی - دو سوگرا می‌شود (Bowlby, 1969).

^۱.Anxiety

سبک دلبستگی می‌تواند به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری ساختار پنج عامل اصلی شخصیت موثر باشد (Goldsmith and Alansky, 1987). نظریه پنج عاملی شخصیت که به پنج عامل بزرگ نیز معروف است، از سوی دو روان‌شناس ساکن ایالت متحده به نام Costa and McCrae در اواخر دهه ۸۰ میلادی ارائه شد و در اوایل دهه ۹۰ مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. پنج عامل اصلی یا بزرگ عبارتند از: روان رنجوری^۱ که عصبیت یا بی‌ثباتی هیجانی نیز نامیده شده، برونگرایی^۲، باز بودن به تجربه^۳، توافق و وجدانی بودن^۴ و وظیفه‌شناسی^۵. مطالعات انجام شده درباره ویژگی‌های شخصیتی معینی که مردم را در برابر فشار روانی و اضطراب مقاوم می‌سازند، نشان می‌دهند که افراد (دارای فشار روانی زیاد-کم) نسبت به کسانی که در اثر فشار روانی بیمار شده‌اند، با کار و زندگی اجتماعی خویش بیش‌تر درآمیخته بودند، به مبارزه جویی و تغییر گرایش بیش‌تری داشتند و رویدادهای زندگی را بیش از دیگران در کنترل خود می‌دیدند (Atkinson, Atkinson and Hilgard, 1983).

مبانی نظری: اضطراب یک حالت ترس، نگرانی و ناراحتی است. شخص مبتلا به نورو اضطراب تنش و ترس شدید و مداوم دارد، او دچار احساس مستمر و مبهم و اضطرابی کلی و نامشخص است که خود نیز از منبع و علت آن خبر ندارد (Shamlo, 1999). مفهوم اضطراب برای رویکرد روانکاوی، ضروری است، فریود بر این باور است که اضطراب از تعارض بین نهاد، خود و فراخود بر سر کنترل کردن انرژی روانی بوجود می‌آید و وظیفه آن هشدار دادن درباره خطر قریب الوقوع است. اضطراب وظیفه مکانیزم محافظت از خود (ego) را بر عهده دارد زیرا به ما علامت می‌دهد که مخاطراتی در پیش است، برای مثال، رویای مملو از اضطراب ما را از خطر قریب الوقوع ناشی از غرایز خبر می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا تصورات رویا را به بهترین نحو تغییر شکل دهیم (Jess, 2002, Feist Translated by: Yahya Seyad Mohammadi, 2005).

رفتارهای ناسازگار بیش‌تر ناشی از پیامدهای متعارض محیطی است. روشن‌ترین نمونه‌های بالینی، کودکان هستند که رفتار ناسازگار آنها در ظاهر نتایجی به بار می‌آورد و میان آنچه در محیط رفتار ناسازگار نامیده شده است و آنچه به وسیله محیط در واقع تقویت می‌شود تناقض وجود دارد. برای مثال، مادر یا معلمی که هر زمان کودک دچار مشکل می‌شود، به یاری او می‌شتابد، فقدان پشتکار او را تقویت می‌کند (Davison and Goldfried, Translated by: , 1992).

^۱.Neuroticism

^۲.Extraversion

^۳.Openness

^۴.Agreeableness

^۵.Conscientiousness

Ahmadi). رفتارگراها اضطراب را ناشی از یادگیری می‌دانند و بر این باورند که اضطراب یک رفتار آموخته شده است. بنابراین، رفتار مضطربانه مادر می‌تواند بر رفتار کودک تاثیر داشته باشد. افزون بر این، رابطه مادر-کودک باعث شکل‌گیری سبک دلبستگی می‌شود و بسته به اینکه چه نوع دلبستگی در فرد ایجاد شده، می‌تواند رفتار، روابط و آینده فرد را تحت تاثیر قرار دهد.

جان بالبی (Bowlby, 1963) که نخستین بار دلبستگی را در مورد پیوند نوباوه - مراقبت کننده مطرح کرد، از پژوهش‌های Kernerad Lorens در مورد نقش‌پذیری بچه‌ها الهام گرفت. او بر این بود که بچه انسان، مانند بچه حیوانات، از یک رشته رفتارهای فطری برخوردارند که به نگه داشتن والد، نزدیک او، کمک می‌کند و احتمال محفوظ ماندن بچه از خطر را افزایش می‌دهد. در ضمن، تماس با والد، تضمین می‌کند که بچه تغذیه خواهد شد، اما Bowlby محتاطانه اشاره کرد که تغذیه مبنای دلبستگی نیست بلکه پیوند دلبستگی خودش مبنای زیستی قدرتمندی دارد و می‌توان آن را در بستر تکاملی بهتر شناخت؛ بستری که بقای گونه در آن، اهمیتی بسیار زیاد دارد. افراد دلبسته ایمن به دیگران اعتماد دارند، ولی افراد نایمن اجتنابی به دلیل ترس از طرد شدن از ایجاد رابطه صمیمانه با دیگران انحصارطلب و وابسته اند و در واقع برای رهایی از اضطراب به دیگران وابسته می‌شوند. در این نظریه اضطراب و رابطه آن با روابط دلبستگی مادر و نوزاد جایگاه ویژه‌ای دارد و شکل‌گیری اضطراب در کودکی مبتنی بر فرایند شکل‌گیری دلبستگی تعیین می‌شود. در دیدگاه بالبی (Bowlby, 1969)، دلبستگی در دو سال نخست زندگی در طول چهار مرحله به طور طبیعی رشد پیدا می‌کند: ۱. مرحله پیش دلبستگی ۲. مرحله دلبستگی در حال شکل‌گیری ۳. مرحله دلبستگی مشخص ۴. مرحله روابط دو جانبه. کودکان در نتیجه تجربیات خود در طول این چهار مرحله، پیوند عاطفی باثبات با مراقبت‌کننده برقرار می‌کنند که در غیاب والدین می‌توانند از آن به عنوان یک پایگاه امن، استفاده کنند. این بازنمایی درونی، جزء مهمی از شخصیت می‌شود که به عنوان الگوی واقعی درونی در مواقع استرس عمل می‌کند. عملکرد این الگو به صورت تصویر ذهنی برای کلیه روابط صمیمی در آینده (از کودکی تا نوجوانی) تاثیر گذار خواهد بود (Laura Berk, 2001).

در رابطه با بررسی شخصیت، بقراط نخستین فردی بود که افراد را بر اساس مزاج آنها طبقه بندی کرد. پس از او، کرچمر (Keretschmer, 1925)، و شلدون (Sheldon, 1954)، افراد را بر اساس ریخت و ساختمان بدنی طبقه بندی کردند، اما روان‌سنجان این طبقه بندی‌ها را مورد انتقاد قرار دادند و در نتیجه، دیدگاه تحلیل عوامل اسپیرمن برای بررسی کامل‌تر شخصیت مطرح شد. بعدها Norman and Goldberg عنوان کردند که شخصیت فقط پنج عامل اصلی را در بر دارد و پس از آنها مک کری و کوستا در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که شخصیت از پنج

عامل اساسی روان رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیری و مسئولیت‌پذیری تشکیل شده است. این پنج عامل با انواع شیوه‌های سنجش، از جمله خودسنجی‌ها، آزمون‌های عینی و گزارش‌های مشاهده‌گران تایید شدند. از نظر Costa and McCrae ویژگی این پنج عامل بدین صورت است که روان رنجورها نگران، نالایمن، عصبی و بسیار دلشوره‌ای هستند بنابراین، اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند، برون‌گراها معاشرتی، حراف، لذت‌جو و با محبت هستند. انعطاف‌پذیرها مبتکر، مستقل، خلاق و شجاع، دلپذیر، خوش‌قلب، دلسوز، ساده‌دل و مودبند و افراد مسئولیت‌پذیر، دقیق، قابل‌اعتماد، سخت‌کوش و منظم هستند (quoted by McCrae and Costa, 1991).

شخصیت تعریف واحدی ندارد بلکه به نوع نظریه هر دانشمند بستگی دارد، برای مثال، کارل راجرز (Carl Rogers, 1951)، شخصیت را یک خویشتن سازمان‌یافته دائمی می‌داند که محور تمام تجربه‌های وجودی ماست، یا گوردون آلپورت (Gordon Allport, 1937)، شخصیت را مجموعه عوامل درونی که تمام فعالیت‌های فردی را جهت می‌دهد، تلقی می‌کند (quoted by Shamlo, 2003). در نظام‌های تحولی که فرایند تحول در آنها کاذب است، مسائلی دیده می‌شود؛ برای مثال، Freud شخصیت را در مرحله نخست، فاقد جنبه‌های روانی می‌داند و لذا، تکمیل و تکامل آن را موکول به سال‌های بعد می‌داند. در حالی که Wallon، بحران شخصیت را به سه سالگی کاهش می‌دهد. با وجود این، می‌توان شخصیت را در قالب تحول‌نگریست. به باور Adler هر نوروز به منزله کوششی است برای رها کردن فرد از احساس حقارت و نیل به احساس تفوق و برتری که در مواردی به حالت‌های جبرانی نامطلوبی منتهی می‌شود. منش فرد روان‌نژند و کسی که از دیگران نفرت دارد و نسبت به تمام چیزها بدگمان است، اغلب با اضطراب همراه است.

(Maimaly, 1986 ; Translated by: mansour, 1990). Kelly بر این باور است که ساختار شخصیت هر فرد بر اساس نظام استنباطی وی می‌باشد و هر فرد آن چیزی است که از خود برداشت می‌کند. استنباط در این نظریه به شیوه ادراک، تفسیر، تجزیه و تحلیل داده‌ها اطلاق می‌شود و به بیان دیگر، انسان‌ها به صورت منحصر به فردی از دنیای اطراف خود برداشت، تفسیر و مفهوم‌سازی می‌کنند. بنابراین، هر فرد جهان را به صورت متفاوتی ادراک می‌کند و بر این باور است که انسان موجودی است از یک سو عاقل و دارای شناخت و از سوی دیگر، موجودی است که برای تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی خود از سازهایی که خود می‌سازد، استفاده می‌کند (۱۹۵۸, Karimi).

پژوهش های انجام گرفته

نتایج پژوهش بشارت و همکاران (Besharat et al , 2006) نشانگر رابطه بین سبک دلبستگی با مشکلات بین فردی است.

نتایج پژوهش مهرابی زاده هنرمند و همکارانش (Mehrabizade Honarmand et al , 2000)؛ بهرامی، (Bahrami , 1997)؛ و ابوالقاسمی (Abolghasemi , 2003)، نشان دادند که همه گیر شناسی اضطراب امتحان در دختران بیش تر از پسران است و آنها اضطراب امتحان را با شدت بیش تری تجربه می کنند. این بیانگر آن است که به احتمال زیاد، دختران، ترغیب به پذیرش اضطراب و قبول آن را به عنوان یک ویژگی زنانه تلقی می کنند.

کاویانی (Kaviyani, 2001)، نشان داد که هیجان های منفی همچون اضطراب شاخص روان رنجورخویی است و هرچه فردی کمتر دارای این خصلت باشد، معنای بیش تری در زندگی اش احساس می کند.

در پژوهشی دیگر که به وسیله رجب زاده (Rajabzadeh , 2002)، انجام گرفته بود، یافته ها نشان دادند در عوامل نوروز گرایی عمومی، گسیخته خویی پارانویا گونه و بی اعتمادی اضطراب آمیز در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد.

امیری نیا (Amiriniya , 1996)، نشان داد که به طور کلی بیماران مضطرب بیش تر از افراد نرمال نیاز به تحسین به وسیله یک شخص دیگر در خود احساس می کنند، به طور مشتاقانه تسلیم اشخاص دیگر می شوند، هم رنگی بیش تری با آداب و رسوم و پیروی از آموزش ها از خود نشان می دهند نیاز بیش تری به مورد پرستاری قرار گرفتن، بخشیده شدن، محبت، وابسته ماندن به یک حامی و پشتیبان همیشگی را در خود احساس می کنند. در ویژگی هایی همچون پذیرش منفعلانه نیروهای بیرونی، پذیرش آسیب، سرزنش، تحقیر خود، لذت بردن از درد، تنبیه و بدبختی که ویژگی افراد روان رنجور است، در سطحی بالاتر از افراد نرمال قرار دارند. بیماران مضطرب در ویژگی هایی همچون وفاداری به دوستان، نیاز به پیوندجویی، تشکیل و تقویت رابطه ای عشقی با جنس مخالف، به دنبال آزادی بودن، شکستن محدودیت ها، مقاومت در برابر اجبار و تهدید، نفوذ یا هدایت رفتار دیگران و متقاعد ساختن دیگران به اینکه نظرات آنها درست است، از افراد نرمال پایین ترند. بیماران مضطرب در صفت شخصیتی و نیاز به تلاش و پیشرفت نیز الگویی از خود نشان می دهند که متفاوت از الگوی افراد عادی است.

نتایج پژوهش های آقا یوسفی (Aghayousefe , 2000)، نشان دادند که افسردگی، متاثر از عوامل عمقی شخصیت و سپس عوامل سطحی و راههای مقابله ای است. «مقابله درمانگری» به عنوان یک فن ابداعی نه تنها مانند «تنش زدایی تدریجی» افسردگی را کاهش می داد بلکه مقدار

اضطراب نیز در حد قابل توجهی کاهش داد، به دلیل تمرکز «مقابله درمانگری» بر تغییر راهبردهای مقابله‌ای، این روش درمانگری توانست دو راهبرد مقابله‌ای موثر در افسردگی را به گونه‌ای موفقیت‌آمیز تغییر دهد (کاهش راههای گریز - اجتناب و مسئولیت‌پذیری) که در مجموع نشان‌دهنده کارآمدی «مقابله درمانگری» و ارجحیت نسبی آن بر «تنش‌زدایی تدریجی» در این زمینه است. این پژوهش همچنین مشخص کرد که عوامل شخصیتی بالنسبه مشابهی در ساخت اختلالات اضطرابی و افسردگی دخالت دارند.

یافته‌های پژوهش ذوالفقاری و همکاران (Zolfaghari et al, 2008)، در مورد اثر بخشی درمان مبتنی بر دل‌بستگی بر کاهش علائم اختلال اضطراب جدایی نشان دادند که مداخله مبتنی بر دل‌بستگی و آموزش مدیریت والدین توانسته‌اند در شدت علائم اضطراب جدایی کودکان از نظر آماری کاهش معنی‌دار پدید آورد.

نتایج بدست آمده از پژوهش «مقایسه سبک دل‌بستگی، ویژگی‌های شخصیتی و خصیصه اضطراب در درمان کودکان دارای اختلال اضطراب جدایی و سالم»، نشانگر آن بود که دل‌بستگی ناایمن اضطرابی - دوسوگرا، خصیصه اضطراب صفت و برخی ویژگی‌های شخصیتی مادر می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اضطراب جدایی و سطح رشد اجتماعی کودک باشد (Zolfaghari et al, 2007).

بر اساس یافته‌های پژوهش خسروی (Khosravi, 2008)، با عنوان «رابطه ویژگی‌های شخصیتی با اضطراب امتحان در دانشجویان»، نتایج نشان دادند که اضطراب امتحان با روان‌رنجوری رابطه معنادار مثبتی دارد، اما اضطراب امتحان با درونگرایی / برونگرایی دانشجویان، رابطه معناداری را نشان نداد. روان‌رنجوری (بائباتی / بی‌بائباتی) با درونگرایی / برونگرایی رابطه معنادار مثبتی را نشان داد. از میان ویژگی‌های شخصیتی مورد مطالعه، روان‌رنجوری توانست متغیر پیش‌بین اضطراب امتحان باشد.

جویس و مردیت (Joyce and Meredith, 2007)، نشان دادند که شخصیت نقشی مهم در عملکرد عاطفی و هیجانی موثر و اثر بخش بر جای می‌گذارد.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه صفات شخصیت و فرایندهای تنیدگی به وسیله پنلی و توماکا (Penley and Tomaka, 2002)، مشخص کرد که برونگراها سطوح نسبتاً بالایی از شادی، شعف، انرژی، علاقه و خستگی ناپذیری را از خود نشان می‌دهند و این افراد کمتر منفعل و خود ملامت‌گردد و اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند.

نتایج پژوهش انگلز و همکاران (Engels et al, 2001)، نشان دادند که افراد دل‌بسته‌ایمن نسبت به دنیا و دیگران اعتماد دارند و تمایل به ایجاد ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران دارند.

جورم (Jorem, 1987)، پی برد افرادی که از لحاظ روان رنجورخویی بالا بودند، مستعد افسردگی، اضطراب و سرزنش خویش هستند.

دوماس و لافرینر (Dumas and Lofreniere, 1993)، دریافتند که رابطه با نخستین مراقب می‌تواند به عنوان منبع حمایت یا استرس در سال های پیش از دبستانی عمل کند.

بنابر نتایج پژوهش فینی و نولر (Feeny and Nole, 1990)، «دلبستگی ایمن» با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، «دلبستگی اجتنابی» با سطوح پایین تری از صمیمیت و تعهد و «دلبستگی دوسو گرا» با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است.

ریگز و جاکوبیتز (Riggs and Jacobvitz, 2002)، تاکید بسیاری بر تاثیر روابط دلبستگی در دوران کودکی داشتند.

بنت و استیرلینگ (Bennet and Stirling, 1998)، بر شیوه های مراقبت دوران کودکی که باعث شکل‌گیری دلبستگی در کودک می شود، تاکید داشتند زیرا این شیوه های مراقبتی می توانند بر روی رشد اضطراب و خط سیر تحولی اختلال های اضطرابی تاکید داشته باشند.

در زمینه رابطه بین دلبستگی بزرگسالی و هیجان، مطالعات پیانتا و همکاران (Pianta etal, 1996)، نشان دهنده رابطه بین دلبستگی ناایمن اضطرابی با آشفتگی روانی است.

نتایج پژوهش ماناسیس و همکاران (Manassis, 1994)، نشان دادند که دلبستگی نا ایمن اضطرابی با اختلال های اضطرابی رابطه دارد.

در آغاز، مطالعات عمدتاً متمرکز بر دو عامل شخصیتی یعنی روان رنجورخویی و برون گرایی در نظریه آیزنک بود. نتایج پژوهش نشان دادند که هر دو عامل روان رنجورخویی و برون گرایی پیش بینی‌کننده‌های مهمی برای تنیدگی و سبک مقابله هستند (Vollrath and Torgersen, 2000).

پژوهش های یاد شده، اهمیت تاثیر دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی را بر اضطراب تاکید کرده است. این پژوهش با بررسی رابطه سبک های دلبستگی و ویژگی های شخصیتی (به عنوان متغیر پیش بین) با اضطراب نوجوانان (به عنوان متغیر ملاک) به پیش بینی اضطراب می پردازد. در این پژوهش پرسش های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

پرسش های پژوهش

۱. آیا بین سبک های دلبستگی و اضطراب دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. آیا بین ویژگی های شخصیتی با اضطراب دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین اضطراب دختران و پسران دانش آموز تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴. کدام سبک دلبستگی پیش بینی کننده قوی تری برای اضطراب دانش آموزان می باشد؟
۵. کدام ویژگی شخصیتی پیش بینی کننده قوی تری برای اضطراب دانش آموزان می باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت موضوع و هدف، توصیفی - همبستگی است زیرا روابط بین متغیرها را مورد بررسی قرار می دهد. جامعه آماری این پژوهش از کلیه دانش آموزان پسر و دختر دوره پیش دانشگاهی شهر شیراز در سال ۹۰-۸۹ تشکیل شده بود. ۳۸۰ نفر از دانش آموزان (۲۳۰ دختر و ۱۵۰ پسر) به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند چون تعداد دختران در جامعه بیش از پسران بود، این درصد در نمونه نیز رعایت شد تا نمونه معرف جامعه باشند. به منظور جمع آوری داده ها در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده گردید:

الف) پرسشنامه تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسالان^۱: به وسیله کولینز و رید (Collins and Read, 1990)، ساخته شد مشتمل بر ۱۸ ماده و سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب است که با سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی مطابقت دارند. بر اساس یک مقیاس پنج درجه‌ای سنجیده می شود. برای هر یک از سبک های دلبستگی ۶ پرسش در نظر گرفته شده است و نمره هر یک از سبک های دلبستگی به صورت مجزا در نظر گرفته می شود که بیشترین نمره این سه زیر مقیاس نوع غالب سبک دلبستگی فرد را مشخص می کند. پاکدامن میزان پایایی این آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۴، سبک اجتنابی ۰/۵۲ و در سبک دلبستگی مضطرب - دوسو گرا ۰/۲۸ گزارش داده است (Pakdaman, 2001). پاکدامن روایی این پرسشنامه را از روش روایی واگرا بررسی کرد. نتایج نشان دادند که ضریب همبستگی بین زیر مقیاس ها، یعنی سبک دلبستگی مضطرب - دوسو گرا و ایمن و سبک مضطرب - دو سوگرا و اجتنابی در سطح ۰/۰۱ به ترتیب ۰/۳۱ - و ۰/۳۳ - می باشد و ضریب همبستگی بین زیر مقیاس ها یعنی سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی در سطح معناداری ۰/۰۱ به مقدار ۰/۲۵ می باشد (Pakdaman, 2001). ضریب پایایی این پژوهش به روش آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۱، سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۵۰ و سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۲۷ برآورد شده است.

ب) پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو^۲: به وسیله McCrae and Costa در سال ۱۹۸۵ با عنوان پرسشنامه شخصیتی نئو معرفی شد. شامل دو فرم بلند (۲۴۰ پرسش ی) و فرم کوتاه است که در این پژوهش از فرم کوتاه استفاده شد. فرم کوتاه دارای ۶۰ عبارت می باشد که در یک

^۱. Revised Adult Attachment Scale (RAAS)

^۲. NEO personality Inventory Revised

مقیاس لیکرت پنج درجه ای نمره گذاری شده است. هر عامل با ۱۲ پرسش سنجیده می شود و برخی پرسش ها به صورت معکوس نمره گذاری می شود. مک کری و کوستا (McCrae and Costa, 2004)، در پژوهشی که با استفاده از آزمون فرم کوتاه نئو (۶۰ پرسش ی) در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان انجام دادند، پایایی قابل قبولی را برای ابعاد N، E، O، A و C بدست آوردند که به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ می باشد. فرم بلند در کشورهای گوناگون اعتباریابی شده، در ایران نیز روایی فرم بلند به وسیله گروسی (Garoussi, 2001)، انجام شد، اما فرم کوتاه آن در ایران اعتباریابی نشده، ولی نتایج مک کری و کاستا (McCrae and Costa, 1999)، نشان دادند که همبستگی ۵ زیر مقیاس فرم کوتاه با فرم بلند از ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ می باشد. ضریب پایایی این پژوهش به روش آلفای کرونباخ برای ویژگی های شخصیتی از ۰/۷۸ برآورد شده است.

ج) **مقیاس اضطراب بک^۱**: در سال ۱۹۹۰، Beck و همکارانش مقیاس اضطراب را معرفی کردند کردند که به طور اختصاصی شدت علائم اضطراب بالینی را در افراد می سنجد و شامل ۲۱ عبارت است که در یک مقیاس چهار درجه ای نمره گذاری شده و یک نمره کلی که دامنه آن از صفر تا ۶۳ می تواند باشد به دست می آید. کاویانی و موسوی (Kaviyani and Mosavi, 2008)، برای به دست آوردن ضریب پایایی از روش آزمون - بازآزمون استفاده کردند ($r = 0.83$ ، $p < 0.001$) همچنین این آزمون دارای روایی ($r = 0.72$ ، $P < 0.001$) می باشد (Kaviyani and Mosavi, 2008).

ضریب پایایی پژوهش به روش آلفای کرونباخ برای اضطراب ۰/۷۴ برآورد شده است.

یافته‌ها

جدول ۱- جدول توصیفی توزیع فراوانی و درصد فراوانی نمونه مورد بررسی بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
دختر	۲۳۰	۶۰
پسر	۱۵۰	۴۰
کل	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۱ نشان دهنده فراوانی و درصد فراوانی نمونه هاست که مشخص می کند تعداد دختران بیش از پسران است.

¹. Beck Anxiety Inventory (BAI)

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد سبک های دلبستگی و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سبک دلبستگی نزدیکی	۳/۵۲	۱/۶۰
سبک دلبستگی وابستگی	۲/۷۲	۱/۷۱
سبک دلبستگی اضطرابی	۳/۰۵	۱/۶۹
روان رنجوری	۲۲/۶۹	۷/۳۰
برون گرایی	۲۹/۲۱	۵/۱۶
دلپذیر بودن	۲۷/۸۲	۵/۳۱
انعطاف پذیر بودن	۲۹/۶۳	۵/۹۹
مسئولیت پذیر بودن	۳۰/۹۸	۷/۵۲

جدول ۲ نشانگر میانگین و انحراف استاندارد سبک های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان می باشد که مشخص می کند سبک دلبستگی نزدیکی با میانگین ۳/۵۲ و ویژگی شخصیتی مسئولیت پذیری با میانگین ۳۰/۹۸ بیش‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده اند.

پرسش ۱: آیا بین سبک های دلبستگی و اضطراب دانش آموزان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین سبک های دلبستگی و اضطراب دانش آموزان دختر و پسر

	سبک دلبستگی	نزدیکی	وابستگی	اضطرابی
دختران	اضطراب	-۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۴۰
	سطح معناداری	۰/۳۳	۰/۸۳	۰/۰۰۰۱
پسران	اضطراب	-۰/۱۳	-۰/۱۵	۰/۸۱
	سطح معناداری	۰/۱۰	۰/۸۳	۰/۰۰۰۱

در بررسی این پرسش از همبستگی پیرسون استفاده شد و با توجه به جدول ۳ نتایج نشان دادند که بین سبک دلبستگی نزدیکی و وابستگی دختران رابطه معنادار وجود ندارد، اما بین سبک دلبستگی اضطرابی و اضطراب دختران رابطه معنادار بود ($r = 0/40$ ، $p = 0/0001$).

در مورد پسران نتایج نشان دادند که بین سبک های دلبستگی نزدیکی و وابستگی پسران با اضطراب رابطه معنادار وجود ندارد، اما بین سبک دلبستگی اضطرابی و اضطراب پسران رابطه معنادار بود ($r = 0/81$ ، $p = 0/0001$).

پرسش ۲: آیا بین ویژگی های شخصیتی با اضطراب دانش آموزان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول ۴- ماتریس همبستگی بین ویژگی های شخصیتی و اضطراب دانش آموزان دختر و پسر

ویژگی های شخصیتی	روان رنجوری	برونگرایی	دلپذیر بودن	انعطاف پذیر بودن	مسئولیت پذیر بودن
دختران اضطراب	0/50	-0/21	0/09	-0/20	-0/24
سطح معناداری	0/0001	0/001	0/17	0/003	0/0001
پسران اضطراب	0/40	-0/20	0/01	-0/27	-0/32
سطح معناداری	0/0001	0/01	0/90	0/001	0/0001

برای بررسی این پرسش از همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به جدول ۴ در دختران روان رنجوری با اضطراب رابطه مثبت (0/50) دارد و برونگرایی (-0/21)، انعطاف پذیری (-0/20) و مسئولیت پذیری (-0/24) با اضطراب رابطه منفی دارند. در مورد پسران نتایج نشان دادند که روان رنجوری با اضطراب رابطه مثبت معنادار (0/40) دارد، و برونگرایی (-0/20)، انعطاف پذیری (-0/27) و مسئولیت پذیری (-0/32) با اضطراب رابطه منفی و معنادار دارند.

پرسش ۳: آیا بین اضطراب دختران و پسران دانش آموز تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۵- آزمون t گروههای مستقل برای مقایسه اضطراب دختران و پسران

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	df	p
اضطراب	دختر	20/94	12/10	4/37	378	0/05
	پسر	15/59	10/91			

برای مقایسه اضطراب دختران و پسران از تی تست برای گروههای مستقل استفاده شد و نتایج در جدول ۵ ارایه گردید: بین اضطراب دختران و پسران رابطه معنادار وجود دارد و میانگین اضطراب دختران (۲۰/۹۴) نشان می دهد که دختران، اضطراب بیش‌تری را تجربه می کنند ($p < ۰/۰۵$; $t = ۴/۳۷$).

پرسش ۴: کدام سبک دل‌بستگی پیش بینی کننده قوی تری برای اضطراب دختران و پسران دانش آموز می باشد؟

جدول ۶- پیش بینی اضطراب بر اساس سبک دل‌بستگی دختران و پسران

مرحله	متغیر	R	R2	F	p	B	β	t	p
دختران	اضطراب	۰/۴۰	۰/۱۶	۱۲	۰/۰۰۱	۱۷۹	۰/۴۰	۶/۷۱	۰/۰۰۱
	ی	۰	۰	۴۵	۰	۶	۰	۰	۰
پسران	اضطراب	۰/۲۹	۰/۰۸	۹۱	۰/۰۰۱	۱۹۶	۰/۲۹	۱/۷۳	۰/۰۰۱
	ی	۰	۰	۱۳	۰	۴	۰	۳	۰

نتایج رگرسیون گام به گام در جدول ۶، نشان می‌دهد که سبک دل‌بستگی اضطرابی در گام نخست وارد معادله شده و به عنوان پیش بینی کننده قوی برای اضطراب دختران معرفی گردید با توجه به نتایج، سبک دل‌بستگی اضطرابی ۱۶ درصد از واریانس اضطراب را در دختران تعیین می‌کند.

نتایج رگرسیون گام به گام پسران نیز نشان می‌دهد که سبک دل‌بستگی اضطرابی در گام نخست وارد معادله شده و به عنوان پیش بینی کننده قوی برای اضطراب پسران معرفی گردید با توجه به نتایج، سبک اضطرابی ۸ درصد از واریانس اضطراب را در پسران تعیین می‌کند.

پرسش ۵: کدام ویژگی شخصیتی پیش بینی کننده قوی تری برای اضطراب دختران و پسران دانش آموز می باشد؟

جدول ۷- پیش بینی اضطراب بر اساس ویژگی های شخصیتی دختران و پسران

مرحله	متغیر	R	R ²	F	p	B	β	t	p
دختران	اول	روان	۰/۴۹	۱/۲۴	۰/۳۴	۰/۱۸۵	۰/۴۹	۸/۵	۰/۰۰۰۱
ن	رنجوری	۰	۰	۷۲	۰				
پسران	اول	روان	۰/۴۰	۱/۱۶	۰/۹۲	۰/۵۷	۰/۴۰	۵/۳۷	۰/۰۰۰۱
ن	رنجوری	۰	۰	۲۸	۰				
دوم	مسئولیت پذیری و روان رنجوری	۰/۴۶	۱/۲۲	۰/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۳۹	۰/۲۴	۳/۲۵	۰/۰۰۰۱
	ت	۰	۰	۲۰					

نتایج رگرسیون گام به گام در جدول 7، نشان می دهد که از بین ویژگی های شخصیتی دختران، روان رنجوری در گام نخست وارد معادله شد که ۲۴ درصد از واریانس اضطراب را در دختران پیش بینی می کند.

نتایج رگرسیون گام به گام پسران نیز نشان می دهد که از بین ویژگی های شخصیتی، روان رنجوری که در گام نخست وارد معادله شده ۱۶ درصد از واریانس اضطراب را در پسران پیش بینی می کند و مسئولیت پذیری که در گام دوم وارد معادله شده ۶ درصد از واریانس اضطراب پسران را پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری

"سبک دلبستگی نزدیکی" و "وابستگی" رابطه معنادار با اضطراب دانش آموزان دختر و پسر ندارد، ولی سبک دلبستگی اضطرابی با اضطراب آنها رابطه معناداری دارد. در تبیین این پرسش می توان گفت که دلبستگی، حاصل ارتباط اولیه کودک با مادر است. مادران کودکان ایمن به نیازهای آنها حساس و پاسخگو هستند و پایگاه امنی بشمار می روند. این کودکان از ارتباط اولیه با مادر خود می آموزند که یک رابطه می تواند توأم با اعتماد و ایمنی و ارضا کننده نیازها باشد. آنها عواطف خود را چه به صورت مثبت و چه منفی ابراز می کنند و قادر به

درک عواطف طرف مقابل خود نیز می‌باشند و آنچه کودکان از دوره کودکی یاد می‌گیرند، به بزرگسالی نیز تعمیم می‌دهند و در سختی‌ها و مشکلات انعطاف پذیر و مقاوم‌ترند.

در مورد دلبستگی اجتنابی می‌توان گفت که این افراد زمانی که خود را در روابط اجتماعی در معرض ارزیابی می‌یابند، دچار استرس و اضطراب و عدم تعادل روانی در رفتار می‌شوند؛ از طرد شدن به وسیله دیگران می‌هراسند و با اجتناب از برقراری رابطه با دیگران خود را از احساس ناکامی و اضطراب در روابط نجات می‌بخشند، اما افرادی که در طیف دلبسته مضطرب قرار دارند، دارای اعتماد به نفس کمتری نسبت به افراد عادی هستند و نسبت به دیگران واکنش‌های منفی نشان می‌دهند این افراد به راحتی به دیگران اعتماد نکرده و به دلیل مشکلاتی که در کودکی خود داشته و آن را به بزرگسالی منتقل کرده‌اند، به دیگران رفتار تکانشی و منفی نشان می‌دهند و در روابطشان دچار اضطراب و تعارض می‌شوند. بر اساس نظر بالبی (Bowlby, 1973)، نوزادان دلبسته مضطرب به طور مستمر از تنها ماندن می‌ترسند زیرا مراقبت‌کننده آنها قابل اطمینان در ارضای نیازهای آنها نیست. در دلبستگی نایمن اضطرابی - دوسوگرا خصیصه اضطراب مادر می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اضطراب جدایی و سطح رشد اجتماعی کودک باشد. بر اساس نظر رفتارگراها اضطراب ناشی از یادگیری است و اضطراب را یک رفتار آموخته شده می‌دانند و رفتارهای ناسازگار بیش‌تر ناشی از پیامدهای متعارض محیطی تلقی می‌کنند. با توجه به این که رابطه با نخستین مراقب می‌تواند به عنوان منبع حمایت یا استرس در سال‌های بعدی باشد، بنابراین دلبستگی اضطرابی که در کودکی در ارتباط با مراقب به وجود آمده، علت اضطراب نوجوان می‌باشد.

نتایج یاد شده با یافته‌های انگلز و همکاران (Engels et al, 2001) که بر این باورند افراد دلبسته ایمن نسبت به دنیا و دیگران اعتماد دارند و تمایل به ایجاد ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران دارند، همسو می‌باشد. همچنین، یافته‌های پیاننا و همکاران (Pianta et al, 1996)، و ماناسیس و همکاران (Manassis, 1994) که نشانگر رابطه دلبستگی نایمن اضطرابی با اختلال اضطرابی و آشفتگی روانی است، با نتایج این پژوهش مطابقت دارد.

فینی و نولر (Feeny and Noler, 1990)، نیز نشان داد که "دلبستگی ایمن" با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مثل صمیمیت و خرسندی، "دلبستگی اجتنابی" با سطوح پایین صمیمیت و تعهد، و "دلبستگی دوسوگرا" با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است.

همچنین، ریگز و جاکوبیتز (Riggs and Jacobvitz, 2002)، تاکید بسیاری بر تاثیر روابط دلبستگی دوران کودکی بر رشد اضطراب و خط سیر تحولی اختلال‌های اضطرابی داشته‌اند.

یافته‌های دوماس و لافینر (Dumas and Lofreniere, 1993)، نشان دادند که رابطه با نخستین مراقب می‌تواند به عنوان منبع حمایت یا استرس در سال‌های پیش دبستانی عمل کند و همچنین نتایج ذوالفقاری و همکاران (Zolfaghari et al., 2007) که نشان دادند دلبستگی ناایمن اضطرابی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اضطراب کودک باشد با نتایج یاد شده مطابقت دارد.

بین ویژگی شخصیتی دلبگیر بودن و اضطراب دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه معنی‌دار وجود ندارد، ولی بین اضطراب و روان‌رنجوری دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و بین اضطراب و برونگرایی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد.

در تبیین این پرسش می‌توان گفت که افراد دلبگیر اضطراب را تجربه نمی‌کنند چون این افراد اساساً نوع دوست هستند با دیگران همدردی می‌کنند و مشتاق کمک به آنها هستند و اعتقاد دارند که دیگران نیز با او همین رابطه را دارند و به نظر می‌رسد که فرد دل‌پذیر بیش‌تر به سمت جنبه‌های مثبت اجتماعی و سلامت روانی گرایش دارد (Costa and McCrae, 1986).

از ویژگی‌های روان‌رنجوری تمایل فرد به تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکانشوری، کمرویی، افسردگی، عزت‌نفس پایین که هر کدام می‌توانند بر توانایی‌های فرد تأثیر منفی بگذارند. پژوهش‌های انجام شده به وسیله مک کری و کاستا (Costa and McCrae, 1986)، نشان دادند که شادی با برونگرایی بالا و روان‌رنجوری پایین مرتبط است. با توجه به این ویژگی‌ها منطقی است که بین روان‌رنجوری و اضطراب رابطه مثبت و اضطراب و برونگرایی رابطه منفی وجود داشته باشد.

افراد مسئولیت‌پذیر اهداف و خواسته‌های قوی و از پیش تعیین شده دارند، افرادی دقیق، وقت‌شناس و با وجدان هستند و به اصول اخلاقی خود پایبند بوده و تعهدات اخلاقی‌شان را به گونه دقیق انجام می‌دهند، این افراد قدرت کنترل تکانه‌هایشان به نحو جامعه‌پسند را دارند.

و اما افراد انعطاف‌پذیر افرادی هستند که زندگی آنها از لحاظ تجربه غنی است و مایل به پذیرش باورهای جدید و ارزش‌های نا‌متعارف بوده و بیش‌تر از افراد انعطاف‌ناپذیر هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می‌کنند. بنابراین، افراد مسئولیت‌پذیر و انعطاف‌پذیر اضطراب کمی خواهند داشت.

این نتایج با یافته‌های جورم (Jorem, 1987)، که نشان دادند نمره افرادی که از لحاظ روان‌رنجوری بالا بودند مستعد افسردگی، اضطراب، سرزنش خویش بودند مطابقت دارد و همچنین، با نتایج جویس و مردیت (Joyce and Meredith, 2007) که نشان دادند شخصیت‌نقشی مهم در عملکرد عاطفی و هیجانی دارد، همسو می‌باشد.

پژوهش انجام شده به وسیله خسروی (Khosravi, 2008)، با عنوان "رابطه ویژگی‌های شخصیتی با اضطراب امتحان در دانشجویان" نشان داد که اضطراب با روان رنجوری رابطه معنادار مثبت دارد.

همچنین، پژوهش انجام شده به وسیله پنلی و توماکا (Penley and Tomaka, 2002) که مشخص کرد برون‌گراها سطوح نسبتاً بالایی از شادی، شغف، انرژی، علاقه، خستگی ناپذیری را از خود نشان می‌دهند و این افراد کمتر منفعل و خود ملامت‌گر هستند و اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند، با نتایج بالا مطابقت دارد.

بین اضطراب دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد و دختران اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند.

در پژوهشی که به وسیله رجب زاده (Rajabzadeh, 2002)، انجام گرفت یافته‌ها نشان داد که در عواملی مثل نوروگرایی عمومی، گسیخته‌خویی پارانویاگونه و بی‌اعتمادی اضطراب‌آمیز، در بین دانشجویات دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد. و همچنین نتایج پژوهش مهرابی زاده هنرمند و همکارانش (Mehrabizade Honarmand et al, 2000)؛ بهرامی (Bahrami, 1997)؛ و ابوالقاسمی (Abolghasemi, 2003)، نشان دادند که میزان همه‌گیر شناسی اضطراب امتحان در دختران بیش‌تر از پسران است و آنها اضطراب امتحان را با شدت بیش‌تری تجربه می‌کنند. به احتمال زیاد، دختران، گرایش به پذیرش اضطراب به عنوان یک ویژگی زنانه دارند. این یافته‌ها با نتایج این پژوهش همسو می‌باشد.

سبک دلبستگی اضطرابی پیش‌بینی‌کننده قوی برای اضطراب دختران و پسران می‌باشد و سبک دلبستگی اضطرابی ۱۶ درصد از واریانس اضطراب دختران و ۸ درصد از واریانس اضطراب پسران را تعیین می‌کند.

با توجه به این که پژوهش‌هایی در این زمینه یافت نشد، امکان مقایسه با سایر پژوهش‌ها وجود نداشت، اما می‌توان انتظار داشت که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی در معرض اضطراب بیش‌تری خواهند بود زیرا دارای اعتماد به نفس کمتری نسبت به افراد عادی هستند و نسبت به دیگران واکنش‌های منفی نشان می‌دهند این افراد به راحتی به دیگران اعتماد نکرده و به دلیل مشکلاتی که در کودکی خود داشته و آن را به بزرگسالی منتقل کرده، با دیگران رفتار تکانشی و منفی نشان می‌دهند و در روابطشان دچار اضطراب و تعارض می‌شوند.

روان رنجوری پیش‌بینی‌کننده قوی تری برای اضطراب دختران می‌باشد و ۲۴ درصد از واریانس اضطراب دختران را تعیین می‌کند. در مورد پسران نتایج نشان دادند که در گام نخست

مسئولیت پذیری ۱۶ درصد از واریانس اضطراب پسران را تعیین می‌کند و در گام دوم روان رنجوری ۶ درصد از واریانس اضطراب پسران را تعیین می‌کند.

از نظر Adler هر نوزاد به منزله کوششی است برای رها کردن فرد از احساس حقارت و رسیدن به احساس برتری که در مواردی به حالت های جبرانی نامطلوبی منتهی می‌شود. منش فرد روان نژند و کسی که از دیگران نفرت دارد و نسبت به تمام چیزها بد گمان است، اغلب با اضطراب همراه است. از آنجا که تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت، ویژگی روان رنجوری را تشکیل می‌دهد پس می‌تواند پیش بینی کننده قوی برای اضطراب باشد.

مسئولیت پذیری با شاخص‌های با اراده و مصمم بودن، برنامه ریزی در کارها و گرایش به موفقیت ارتباط دارد و از دیگر شاخص‌های وجدانی بودن، شایستگی و کفایت، نظم و ترتیب، وظیفه‌شناسی، تلاش برای موفقیت می‌باشد (Costa and McCrae, 1992). پس افراد با این ویژگی‌ها دارای اضطراب پایین می‌باشند و افراد غیر مسئول که فاقد چنین ویژگی‌هایی می‌باشند از اضطراب بالایی برخوردارند زیرا در بکارگیری اصول اخلاقی زیاد دقیق نیستند و در تلاششان برای رسیدن به هدف بی‌حال اند بنابراین، طبیعی است که دچار اضطراب بالایی گردند.

وال راس و تارگرسون (Vollrath and Torgersen, 2000)، روان رنجورخوبی و برونگرایی را دو عامل پیش بینی کننده مهم تنیدگی و سبک مقابله ای می‌دانند که با نتایج بالا هماهنگ است.

از محدودیت های این پژوهش زیاد بودن پرسش‌های پرسشنامه ها و طولانی بودن زمان پاسخگویی، اجرای پرسشنامه‌های پژوهشی در سازمان آموزش و پرورش نیاز به هماهنگی با حراست و سایر مسئولین تابعه دارد، بی میلی دانش آموزان نسبت به تکمیل پرسشنامه و بی پاسخ ماندن برخی از پرسش های پرسشنامه که موجب حذف آنها و جایگزینی پرسش های دیگر شد. عدم دقت و صراحت برخی از آزمودنی ها ممکن است بر نحوه پاسخگویی آنان تاثیر گذاشته باشد. با توجه به اهمیت کیفیت دلبستگی می‌توان خطوط پژوهشی زیر را برای آینده ترسیم کرد: بررسی میزان تغییر پذیری کیفیت دلبستگی از راه آموزش مهارت‌های ارتباطی به کودکان و بزرگسالان، بررسی ارتباط دلبستگی با مولفه های گوناگون روان‌شناسی سلامت.

References

- 1-Abolghasemi, A. (1382). *Examination anxiety*. Ardbil: Nikamoz. (Persian)
- 2-Aghayousefe , A. (1379). The role of personality matters on avoiding solutions and the effect of avoiding as away of curing on personality and depression matters . *Journal of psychology*. 16 (4) , pp. 347 – 370. (Persian)
- 3-Aghayousefy, A. (1378). *Introducing the newest happening in psycho curing*. Ghom: Shahriyar. (Persian)
- 4-Amiriniya , S. (1375). *Researching and compare needs and personality characteristics of anxious patient and normal people*. Masters thesis Mashhad Ferdosy University. Psychology and educative science college. (Persian)
- 5-Atkinson , I. ; Richard , C. ; Ernest , R. (1983). *Introduction to psychology*. Translated by: Baraheny. MT & assistants (1375). Vol 2 , Tehran: Roshd. (Persian)
- 6-Bahrami , F. (1376). *Researching effective matters on intermediate boys and girls students of Esphahan*. Researching council of education company. (Persian)
- 7-Besharat , MA. ; Karimy , K ; Rahiminezhad , A. (1385). Researching the relation od attachment style and personality aspect. *Journal of psychology and educative science*. 36 (2) , pp. 37 – 55. (Persian)
- 8-Bronz , D. (1385). *When anxiety attacks*. Translated by: Gharachedaghey , M. Tehran: Aeen. (Persian)
- 9-Davison , G.C. ; Goldfrid , M.R. (1371). *Behavior therapy*. Translated by: Ahmadi , A. Tehran: university 's publishing center. (Persian)
- 10-Feist , J & Feist , G. (1386). *Personality theories*. Translated by: Yahya Seyad Mohammadi. Tehran: Ravan. (2002). (Persian)
- 11-Garousi Farashi , MT. (1380). *New Approachs in challenging personality*. Tabriz: Daniyal. (Persian)
- 12-Karimi , Y.(1380). *Personality psychology*. Tehran: Nashre Virayesh, Vol 7. (Persian)
- 13-Kaviyani , H ; Mosavi , A. (1387). Psycho testing characteristics of anxiety questionnaire (1) BAI in age and sex categories of Iran population. *Journal of physician college*. (Persian)
- 14-Kaviyani , H. (1380). *Interview and psycho test*. Tehran: knowledge association. (Persian)
- 15-Khosravi , M. (1387). Relation between personality characteristics and examination anxiety in university students. *Journal of behavioral sciences* . No 2 , pp. 13 - 24. (Persian)
- 16-Loura , E.B. (2001). *Developmental psychology*. Translated by: Yahya Seyad Mohammadi(1384). Tehran: Arasbaran. (Persian)
- 17-May , M.(1986). *Instructing and disposing and revolving personality*. Translated by: mansour. (1369). Tehran: Samt. (Persian)

- 18-Mazahery , MA. (1378). Attachment method of preprimary children. *Journal of psychology*. No 4 (3), pp. 320 – 340 . (Persian)
- 19-Mehrabizade Honarmand , M. ; Abolghasemi , A. ; Najayian , B. ; Shokrkon , H. (1379). Researching how much understanding whole get examination anxiety can effect relation of self usefulness and the place to avoid according to intelligence variable. *Journal of psychology Shahid Chamran Ahvaz University*. 7th years (3) , No 1 & 2 , spring and summer. (Persian)
- 20-Pakdaman , Sh. (1380). *Researching the relation of attachment styles and social attraction in adolescents* . Doctoral thesis of psychology Tehran university. (Persian)
- 21-Rajabzadeh , A. (1381). *Researching and comparing personality characteristics and their relationship with psycho health of bachelor students of Tehran University (Males & Females)* . Unpublished master thesis , Tarbiat Moalem College. (Persian)
- 22-Shamlo , S. (1382). *Approach and theories in personality psychology*. Tahrn: Rosh. (Persian)
- 23-Shamlo , S. (1378). *Psycho health* . Tehran: Roshd. (Persian)
- 24-Zolfaghari , M ; Jazayeri, A ; Khoshabi , K. (1387). How curing upon attachment can reduce separation anxiety. *Journal of psychology and clinical psychology of thought and behavior*. No 55 (14), pp. 380 – 388. (Persian)
- 25-Zolfaghari , M ; Jazayeri, A ; Khoshabi , K. (1386). Comparing attachment styles , personality characteristics and anxiety between children who have disorder of separation anxiety and normal children to cure them. *Journal of researching family*. No 11 (3), pp. 709 – 726. (Persian)

Archive